

تأثیر زبان فارسی بر زبان و ادبیات سواحیلی

دکتر امیر بهرام عرب احمدی

مقدمه

زبان سواحیلی و واژه های فارسی موجود در این زبان، از یادگارهای جاودانه حضور ایرانی هایی است که حدود یک هزار سال پیش در سواحل و جزایر شرق آفریقا استقرار یافتند و دولت بزرگ و باشکوهی را در شرق آفریقا بنیان نهادند. حضور ایرانیان شیرازی- الاصل در شرق آفریقا، از نظر گسترش فرهنگ و تمدن ایران در بین بومیان آن منطقه، نتایج درخشانی را به دنبال داشت. در این میان علاوه بر رواج برخی از آداب و رسوم و سنت های اصیل ایرانی در بین مردمان سواحل و جزایر شرق آفریقا، زبان فارسی نیز در میان بومیان دولت شهرهای شیرازی رسوخ یافت؛ به گونه ای که امروزه ده ها و صدها واژه فارسی در میان لغات اصلی زبان سواحیلی (زبان مردم شرق آفریقا) جای گرفته است .

در این مقاله تلاش شده است نفوذ زبان و ادبیات فارسی بر زبان سواحیلی، از گذشته های نسبتاً دور تاکنون مورد بررسی قرار گیرد. جالب اینجاست که امروز زبان فارسی برای بومیان سواحل و جزایر شرق آفریقا به هیچ عنوان ناآشنا نیست و بسیاری از

شیرازی الاصل‌ها تاکید دارند که اجداد ایرانی آن‌ها نقش بسیار مهمی در پدید آمدن زبان سواحیلی ایفا نموده‌اند. واژه‌های فارسی موجود در این زبان نیز همواره به عنوان شاهدی قوی بر این مدعا در نظر گرفته می‌شوند.

تاریخ زبان سواحیلی

زبان سواحیلی، زبان رسمی کشور های تانزانیا، کنیا و اوگاندا است و امروزه یکی از مهم‌ترین زبان‌های قاره آفریقا به شمار می‌رود. بر اساس تحقیقات انجام شده، در حال حاضر در حدود ۱۳۰ میلیون نفر در منطقه شرق آفریقا به این زبان صحبت می‌کنند.^۱ زبان سواحیلی از انشعابات زبان‌های گروه بانتو به شمار می‌رود؛ با این تفاوت که از زبان عربی و تا حدودی فارسی تأثیرات عمیقی پذیرفته است. نام این زبان برگرفته از واژه عربی «ساحل» یا «سواحل» است و دانشمندان معتقدند که این زبان در نتیجه ارتباط اعراب و ایرانیان مهاجر با شرق آفریقا و بومیان این منطقه که بیشتر در راستای فعالیت‌های تجاری بوده، به وجود آمده است. زبان‌شناسان با اشاره به گفته‌های کلادیوس پتولمی در کتاب «دریای ارتیره»، پیدایش این زبان را مربوط به قرون اولیه میلادی می‌دانند و بر این باورند که زبان سواحیلی در نتیجه ارتباطات دیرینه تجار و بازرگانان عرب با مردمان سواحل شرق آفریقا پدید آمده و ورود شیرازی‌ها و استقرار آنها در سواحل و جزایر شرق آفریقا نیز ساختار این زبان را هرچه استوارتر ساخته است. پروفیسور ترمنگهام نیز زبان سواحیلی را حاصل ارتباط اعراب و ایرانیان با بانتو‌زبانان سواحل شرق آفریقا و ازدواج آنان با زنان بومی دانسته که موجب تشکیل زبان ارتباطی جدیدی به نام سواحیلی یا ساحل‌نشین‌ها شده است.^۲ نام این زبان نیز که برگرفته از ساحل است، خود تأییدی بر این نظریات به شمار می‌رود.

۱. گستردگی زبان سواحیلی در قاره آفریقا به اندازه‌ای است که وول سونیکا، نویسنده نیجریه‌ای برنده جایزه ادبی نوبل در سال ۱۹۹۱، در کنفرانسی در غنا پیشنهاد کرد، زبان سواحیلی به عنوان زبان متحد آفریقا به رسمیت شناخته شود. (مطالعات میدانی پژوهشگر)

2. Trimingham, spencer. ibid. P.12.

راهبی مصری به نام کاسموس که در قرن ششم میلادی به هند سفر کرده است، منطقه تانزانیای فعلی را «زنگیون» (zingion) خوانده است. اصطلاح «زنگستان» که لفظی ایرانی است، به خوبی نمایانگر تأثیر زبان فارسی در منطقه سواحل شرق آفریقا در قرون اولیه هجری است. نویسندگان عرب قرون اولیه هجری، به ایرانیان اولیه (پیش از ورود شیرازی ها) نیز اشاره مختصری کرده‌اند، مبنی بر این که خلیفه هارون الرشید گزارشاتی در مورد شهر های شرق آفریقا دریافت کرده و افرادی را که در میان آنان ایرانیانی نیز بوده‌اند، به این منطقه اعزام نموده است.^۳ در وقایع نامه کیلوا نیز به طور مستقیم به زبان سواحیلی پرداخته نشده است، ولی نحوه استقرار شیرازیان در سواحل و جزایر شرق آفریقا و ارتباط آنان با بومیان که به سهولت صورت گرفته است، نمایانگر نقش آنها در پیدایش این زبان و یا تأثیرات محتوایی بر آن است.^۴

در مجموع می توان نتیجه گرفت که زبان سواحیلی پس از ورود اعراب به سواحل شرق آفریقا (که از قرون اولیه میلادی آغاز شده)، به تدریج نضج گرفته و مهاجرت شیرازیان به این منطقه نیز موجب استحکام هرچه بیشتر آن شده است. شاهد مسلم این امر نیز لهجه های فعلی زبان سواحیلی است که جملگی متعلق به مناطق استقرار شیرازی-ها در سواحل و جزایر شرق آفریقا می باشند.

ادبیات سواحیلی

زبان سواحیلی دارای ادبیات غنی و پر محتوایی است. دانشمندان این زبان را در زمره خانواده بانگوی شمال شرقی از مجموعه ساباکی (sabaki) دانسته اند که از زبان های مختلف، به ویژه عربی و فارسی، تأثیرات مهمی پذیرفته است. سادگی و روانی، فقدان حرف تعریف، جنس مذکر، مونث و خنثی از ویژگی های این زبان است. قدیمی ترین

3. pate chronicle, lamu museum , .p.1-2.

4. wald,b . swahili and the bantu languages in The worlds major languages, oxford university press, 1987. PP.991-1014.

کتب زبان سواحیلی وقایع نامه های کیلوا، پاته، سی یو و ... است که به زبان های سواحیلی و با الفبای عربی در قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی نوشته شده. برخی از اشعار و متون ادبی این زبان که طول قرن ها به صورت شفاهی و سینه به سینه به نسل های بعد منتقل شده نیز در اوایل قرن هفدهم به رشته تحریر درآمده است. این اشعار و مکتوبات که به اوتندی (utendi) یا اوتنزی (utenzi) مشهور است، تا حدودی تحت تاثیر شعر و نثر عربی و آواز های بانتویی بوده و به لهجه کی آمو شهر لامو نگاشته شده اند. بیشتر موضوعات اشعار اوتندی در رابطه با شجاعت، تراژدی، عشق و عاشقی و تاریخ است. موضوعات مذهبی نیز در لابه لای این اشعار وجود دارد.

تأثیر پذیری ادبیات سواحیلی از فارسی

علی رغم این که تا کنون نفوذ ادبیات فارسی بر زبان و ادبیات سواحیلی به طور جدی مورد مطالعه قرار نگرفته است، شواهد مسلمی از تاثیر پذیری ادبیات سواحیلی از ادبیات فارسی وجود دارد. از مهم ترین شاخصه های این تاثیر پذیری، اشعار سبک اوتندی یا اوتنزی است. شیوه نگارش نثر و سرایش این اشعار به ادبیات ایران شباهت دارد، به گونه ای که برخی از دانشمندان معتقدند که ریشه ها و سرچشمه سبک شعر و نثر اوتندی به ایران باز می گردد.^۵ برخی از زبان شناسان حتی تمامی سبک های شعر و شاعری در زبان سواحیلی را الهام گرفته از زبان فارسی دانسته اند.^۶

حماسه بسیار معروف «فومولیونگو» نیز بر گرفته از داستان های حماسی ایرانی دانسته شده است. فومولیونگو، قهرمان معروف که در قرن ۱۳ یا چهاردهم میلادی با متحد ساختن ساکنان شمال رودخانه تانا به مقابله با مهاجمان پرداخته، ایرانی و از قبیله باووری، از نسل شیرازی ها است.^۷

5. prins,a.h.ibid. p.110.

6 knappert,j. four centuries of swahili verse,heinemann , 1979 . p.59.

7. Powels.l.rafall .ibid.p.24 – 25.

برخی از دانشمندان معتقدند که سنت شکار که در برخی از داستان های حماسی سواحیلی به شکلی پررنگ وجود دارد نیز از ایرانیان نشأت گرفته و علاوه بر رواج شیوه های مختلف شکار در بین بومیان، در ادبیات سواحیلی نیز راه یافته است.^۸ بزرگ ترین مجموعه اشعار نوشته شده به زبان سواحیلی «انکشافی» (Inkishafi) است که در سال های ۱۸۱۰ تا ۱۸۲۰ م. در پاته سروده شده و شاعر آن، شاعر بزرگ سواحیلی، سید عبدالله بن علی بن ناصر است که متأثر از ادبیات و شعرای ایران بوده. محققان معتقدند که سراینده این اشعار متأثر از شاعر بزرگ ایرانی، حافظ، بوده و سبک وی را الگوی خود قرار داده است.

حکیم عمر خیام نیز تأثیر بسزایی بر ادبیات سواحیلی داشته و ترجمه دیوان وی به زبان سواحیلی، موجب معرفی هر چه بیشتر و بهتر ادبیات فارسی در بین بومیان شرق افریقا شده است.^۹

علاوه بر حافظ و خیام، بسیاری از شعرای قدیم سواحیلی زبان با سعدی و سبک شعری وی نیز آشنایی داشته اند. سبک چهارپاره که امروزه در شعر سواحیلی رایج است، نیز برگرفته از سبک شعری رباعی فارسی است. زبان و ادبیات سواحیلی در دوره معاصر نیز همچنان تحت تأثیر زبان و ادبیات فارسی است و برخی از کتابهای فارسی همچون «ماهی سیاه کوچولو» اثر صمد بهرنگی از انگلیسی به سواحیلی ترجمه شده است.^{۱۰} مترجم این کتاب رابرت حسین، نویسنده مشهور سواحیلی است.

واژه های فارسی در زبان سواحیلی

مهم ترین گواه تأثیر پذیری عمیق زبان سواحیلی از فارسی، شمار قابل ملاحظه ای از واژه های قدیمی فارسی است که با وجود گذشت صد ها سال، نه تنها از این زبان خارج

8. prins, A.H. p.49.

9. Gibbe, a , g " persian (shirazi) impact in Tanzania " in Historical Role of Iranians (shirazis) in the east african coast , Nairobi.2001 . p.68.

۱۰. مطالعات میدانی پژوهشگر، تانزانیا، ۱۳۷۹.

نشده، بلکه در زمره لغات اصلی زبان سواحیلی جای گرفته است. بیشتر این واژه‌ها که در زمان حاکمیت شیرازی‌ها بر جزایر و سواحل شرق آفریقا وارد زبان سواحیلی شده، در ارتباط با اموری همچون قانون‌گذاری و حکومت، تجارت، دریانوردی، کشاورزی، بافندگی، تزئینات لباس، معماری و ابزار و ظروف است. تعداد زیادی از این لغات به سبب آنکه برای آن‌ها در زبان سواحیلی مشابه و معادلی وجود نداشته، پایداری خود را در این زبان حفظ کرده‌اند. البته برخی از واژه‌های فارسی موجود در زبان سواحیلی دارای اصل و ریشه عربی است، ولی زبان‌شناسان معتقدند که با توجه به گستردگی لغات زبان عربی در فارسی و کاربرد این لغات توسط شیرازیان آن عهد، این واژه‌های عربی را نیز شیرازی‌ها به زبان سواحیلی وارد کرده‌اند.^{۱۱}

برخی از محققان نیز معتقدند که زبان فارسی از نظر واژه‌های راه یافته به زبان سواحیلی، پس از زبان عربی، دومین زبان خارجی محسوب می‌شود.^{۱۲} آنان بخش مهمی از اشعار بسیار قدیمی زبان سواحیلی را نیز متأثر از زبان‌های عربی و فارسی دانسته‌اند.^{۱۳} کناپرت (knappert)، زبان‌شناس مشهور انگلیسی، ده‌ها واژه فارسی را که در زبان سواحیلی شناسایی شده‌اند، ذکر کرده و معتقد است که تعداد لغات فارسی موجود در زبان سواحیلی بیش از این می‌باشد. وی معتقد است که حتی در قدیمیترین متون ادبی سواحیلی نیز واژه‌های کهن فارسی مرتبط با بافندگی یافت شده است. وی خاطر نشان کرده است که برخی از این لغات به طور مستقیم در عهد شیرازی‌ها از زبان فارسی به سواحیلی راه یافته‌اند و برخی نیز از طریق زبان‌های دیگر، به ویژه عربی و گروه زبان‌های هندی (نظیر اردو و گجراتی)، وارد زبان سواحیلی شده‌اند. وی بیشتر این

11. krumm, b. words of oriental origin in swahili . the sheldon press , London, 1940, p.27.

12. mathoko mbatha .p and mndune siundu, e “ the shirazi and creation of an afro-asian swahili civilization” in historical role of iranians (shirazis) in the east african coast , Nairobi, 2001 , p.138.

13. mazrui , ali , ed, General History of Africa , Africa since 1935. heinmann, Unesco, 1993, p.655.

لغات را در ارتباط با دریانوردی و کشاورزی دانسته است. پروفیسور علی مزروعی، استاد دانشگاه نیویورک نیز برخی از واژه های هندی موجود در زبان سواحیلی را که بیشتر در مورد غذاها است، برگرفته از زبان های عربی و فارسی دانسته است.^{۱۴}

پروفیسور کروم (krumm) نیز به ۷۸ واژه فارسی که مستقیماً و ۲۶ واژه فارسی که احتمالاً به طور غیر مستقیم و توسط اعراب وارد زبان سواحیلی شده اند، اشاره کرده است.^{۱۵} یکی دیگر از محققان نیز ۲۹۰ لغت فارسی را بر شمرده است که از طریق بلوچ-هایی که در قرن نوزدهم میلادی در خدمت سلاطین عثمانی زنگبار بوده اند، وارد زبان سواحیلی شده است. این اظهارات در واقع نمایانگر این واقعیت است که زبان فارسی علاوه بر دوره شیرازی ها حتی در قرون متأخر نیز همچنان تأثیر گذاری خود را بر زبان سواحیلی حفظ کرده است.^{۱۶}

جالب اینجاست که در نتیجه ارتباطات دریایی گسترده دیرینه بین ایران و سواحل شرق افریقا، به ویژه در دوران حاکمیت شیرازی ها، زبان سواحیلی نیز تأثیر متقابل اما کم رنگی بر زبان فارسی گذاشته است. به عنوان مثال راقم این سطور از برخی از دریانوردان ایرانی شنیده است که روستایی در حومه بندر عباس وجود دارد که مردم آن به زبان سواحیلی صحبت می کنند. این امر نمایانگر آن است که دامنه ارتباطات فرهنگی شیرازی های مقیم شرق افریقا و سواحل جنوبی ایران به قدری عمیق بوده است که حتی زبان سواحیلی نیز به محدوده هایی از سرزمین ایران راه یافته است.^{۱۷}

14. knappert ,j. ibid. p.112.

15 . krumm ,b. ibid. p.27.

16. Lodhi , a.y . oriental influences in swahili . goteberg university of goteberg , 2000. , p.228.

۱۷. نگارنده این موضوع را که روستایی سواحیلی زبان در حومه بندر عباس وجود دارد، از چند تن از ملوانان کهنسال ایرانی شنیده است، ولی متأسفانه امکان این که این امر به صورت میدانی مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد، فراهم نیامد. با این حال با توجه به مناسبات گسترده دریانوردان ایرانی با سواحل شرق افریقا، خصوصاً در دوره شیرازی ها، به طور قطع امکان این که این ملوانان به زبان سواحیلی تسلط یافته باشند، وجود دارد. علاوه بر آن ممکن است برخی از بومیان سواحل شرق افریقا در آن دوره به ایران مهاجرت کرده و در سواحل جنوبی ایران سکنی گزیده باشند.

با توجه به تأثیر عمیق زبان فارسی بر زبان سواحیلی و با توجه به پایداری واژه‌های فارسی موجود در زبان سواحیلی، نکته مهم آن است که بومیان شرق آفریقا علاوه بر زبان عربی، واژه‌های فارسی را با علاقه به زبان خود راه داده و در صدد حفظ این لغات بر آمده‌اند.^{۱۸}

مؤسسه تحقیقات زبان سواحیلی تانزانیا (The research institute of Kiswahili language) که مهمترین مرکز مطالعاتی این کشور در مورد زبان سواحیلی به شمار می‌رود، در چند دهه گذشته برای تنظیم ساختار لغوی و تدوین دستور زبان سواحیلی تلاش زیادی انجام داده است. این موسسه همچنین لغتنامه بزرگی به زبان سواحیلی تهیه کرده است که در آن واژه‌های فارسی و عربی موجود نیز رسماً تأیید و در زمره واژه‌های قدیمی این زبان جای گرفته‌اند. محققان این مرکز در حال حاضر درصدد مشخص کردن ریشه زبان سواحیلی و میزان تأثیر پذیری آن از زبان‌های عربی، فارسی و گروه زبان‌های بانتو می‌باشند.^{۱۹}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتابان مع علوم انسانی

۱۸. دکتر عبدالاسلام عبدالعزیز معتقد است که در دوره حاکمیت سلاطین عثمانی بر زنگبار و جزایر اطراف آن و مناطق ساحلی تانگانیکا، سلاطین زنگبار زبان فارسی را نیز می‌آموختند؛ زیرا زبان فارسی، زبان سپاهیان و نگهبانان خاص سلاطین به شمار می‌رفت و اغلب سربازان مورد اعتماد سلاطین، ایرانی و از نژاد بلوچ‌ها به شمار می‌رفتند. این سپاهیان فقط به زبان فارسی سخن می‌گفتند؛ لذا سلاطین برای ارتباط با آنان مجبور به فراگیری فارسی بودند. کتیبه‌های فارسی موجود در زنگبار از جمله نوشته‌ای فارسی بر روی تویی متعلق به سلسله صفویه که در دوره سلاطین قاجار به زنگبار انتقال یافته است و قطعه شعری که در حمام اصلی کیدیچی در جزیره «اونگو جا» وجود دارد نیز نمایانگر دوره جدیدی از ورود لغات فارسی به زبان سواحیلی است.

۱۹. فرهنگ لغت سواحیلی را گروه زبان و ادبیات سواحیلی دانشگاه دارالسلام در سال ۲۰۰۱ منتشر کرده است در این فرهنگ به ریشه برخی از واژه‌ها که از زبان‌های فارسی و عربی به سواحیلی راه یافته و در زمره واژه‌های اصلی این زبان به شمار می‌روند، اشاره شده است.